



مهندس کامبیز فروزان  
مدیر امور تحقیقات، بذر و آموزش  
شرکت توسعه کشت دانه های روغنی

## سخنی کوتاه

با نهایت احترام مرا به حضور پذیرفته بود. در روی میز کاغذ بزرگی قرار داشت در آن به صورت عمودی از بالا به پایین کلیه ویژگی های بارز یک کارمند ثبت شده بود (مرتب بودن، طرز بیان، اطلاعات عمومی و تخصصی، روابط اجتماعی و ...). پس از آنکه در آزمون و مصاحبه پذیرفته شدم حسب نظر ایشان در بخش تحقیقات شرکت مشغول به کار شدم و این سر آغازی بود بر آشنایی بلند مدت بنده با آقای مهندس شهیدی و این افتخار شاگردی تا زمان بازنستگی ایشان و حتی پس از آن نیز ادامه داشت.

آنچه در طی دوران همکاری با ایشان همواره برای بنده قابل احترام بود، احترام بسیار بالا به کلیه ارکان شرکت از پائین ترین تا بالاترین مشاغل بود. هیچگاه ندیدم که حس قدرشناسی ایشان و ذکر خیر از مرحوم مهندس خدیوی بنیان گذار شرکت از بین برود حتی در زمانی که خبر در گذشت مرحوم خدیوی به ایران رسید زمینه برگزاری بزرگداشتی برای ایشان را در شرکت فراهم نمود. هر روز فعالیت کاری شرکت، با جلسه ای صبحگاهی که آن هم پر از

زمانی که برای اولین بار برای آگاهی از مفاد آزمون استخدامی شرکت توسعه کشت دانه های روغنی به دفتر مرکزی شرکت مراجعه نمودم بنده را به طبقه سوم و بخش تحقیقات شرکت معرفی کردند. در آنجا مردی موقر با ظاهری آراسته مشغول رسیدگی به امور جاری شرکت بود، خود را معرفی کردم و راهنمایی خواستم، ایشان نیز با نهایت احترام اطلاعات کلی از میزان تحصیلات و رشته تحصیلی بنده را ثبت و سپس به همکاران دستور داد کتابهای سویا و آفتابگردان شرکت را که به قلم زنده یاد مهندس مجتهدی نوشته شده بود را به بنده بدهند.

آزمون ورودی برگزار شد و بنده برای مصاحبه پذیرفته شدم در دلشوره هایی که ناشی از پذیرش یا عدم پذیرش داشتم شنیدم که مصاحبه توسط مدیر تحقیقات شرکت که او را آقای مهندس اسماعیل شهیدی می نامیدند برگزار می شود. پس از یک ساعت معطلی که آنهم ناشی از حضور ایشان در ماموریت بود صف مصاحبه شوندگان به حرکت درآمد تا نوبت به بنده رسید. به محض ورود متوجه شدم مصاحبه کننده، آقای مهندس شهیدی، همان فردی بود که در روز اول



کردم که آنهم از سر بزرگواری و جهت تبریک عید نوروز بود از کسالت مختصری رنج می برد و در فکر عمل جراحی برای دریچه قلب، گرچه رنگ پریده تر بود ولی بازهم سعی می کرد با صلابت و با امثال و حکم و خاطره مانند همیشه مجلس را در دست بگیرد و انصافاً هم چه خوب از این امر مانند همیشه سر بلند بیرون آمد.

وقتی که در آن روز جمعه خبر درگذشت آقای مهندس شهیدی از طریق پیامک، تلفنهای مکرر به اطلاع می رسید تمام کسانی که با او آشنایی داشتند با تأسف در مورد از دست دادن استادی ارزشمند صحبت می کردند و چه متاثر کننده بود که در مجلس ختمش تمام نسلهای اول و دوم و سوم شرکت حضور داشتند و غم از دست دادن او را به یکدیگر تسلیت می گفتند.

بر اینجانب نیز واجب است تا این ضایعه مولمه را به تمام همکاران دست اندر کار دانه های روغنی کشور تسلیت بگویم و شاید تاکید بر این امر که به این زودی همانند آقای مهندس شهیدی در عرصه تولید دانه های روغنی ظهور نخواهد کرد گزافه نباشد.

**یاد یاران یاد باد ...**

امثال و حکم بود آغاز می شد. بعداً در طی روز متوجه می شدیم که آن جلسه صبحگاهی تنها برای ایجاد آمادگی ذهنی برای اهداف تعیین شده در روز می باشد و چه بسیار که این مطالب و خاطرات به کارمان می آمد. به خوبی به یاد دارم زمانی که برای شرکت در جلسه ستاد دانه های روغنی به وزارت جهاد کشاورزی می رفتیم زمان حرکت را به نحوی تنظیم می نمود که حتماً ده دقیقه قبل از شروع جلسه در محل باشیم و همواره در سمت راست معاون وزیر می نشست تا جایگاه شرکت در جلسات و تصمیم گیری ها مشخص باشد.

یکی از ویژگی های بارز ایشان ارج نهادن به کارکنان بود به خوبی به یاد دارم که زمانی که اولین کتاب کلزا را به اتفاق ایشان تهیه کردم در جلسات مختلف به مباحثی از آن کتاب اشاره می کرد تا هم من در جمع شناخته شوم و هم جایگاه خود را به عنوان مدیری که چنین کارشناسی دارد را به رخ حضار بکشد و من نیز از این ارج نهادن سر بلند و سرمست شوم.

اگر بخواهم در مورد ویژگی های منحصر به فرد ایشان بنویسم شاید در این مجال نگنجد ولی تنها به این امر بسنده می کنم که ادب، متانت، خضوع و ارج نهادن به پیشکوتان از ویژگی های بارز ایشان بود. زمانی که در ۹۲/۱/۳۱ برای آخرین بار ایشان را در دفترم ملاقات